

رابطه بین سرمایه اجتماعی و دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج

abdollahvalinejad@gmail.com

ک عبدالله ولی‌نژاد / کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

amirfardi@shirazu.ac.ir

اصغر میرفردی / دانشیار جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

چکیده

در این پژوهش، رابطه بین سرمایه اجتماعی و دین‌داری در بین دانشجویان دانشگاه یاسوج مورد مطالعه قرار گرفته است. روش، پیمایشی و حجم نمونه ۴۰۰ نفری از دانشجویان با روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای چندمرحله‌ای، انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای ساختمند و دیگران ساخته بوده که اعتبار آنها توسط صاحب‌نظران و پایایی نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی شد. نتایج نشان داد که رابطه مستقیم و معناداری بین میزان دین‌داری و میزان سرمایه اجتماعی وجود داشت. نتیجه این پژوهش، نشان داد که سرمایه اجتماعی با متغیری چون دین که قابلیت انسجام‌بخشی را داراست، از هم‌افزایی قابل توجهی برخوردار است و تقویت هر یک به تقویت دیگری می‌انجامد.

کلیدواژه‌ها: دین‌داری، سرمایه اجتماعی، دانشجو، دانشگاه یاسوج.

دین به‌عنوان عنصری مهم در زندگی انسان‌ها، از دیرباز مورد توجه فلاسفه و اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است. آموزه‌های دینی، دربردارندهٔ ویژگی‌هایی هستند که به تنظیم و بهنجارسازی زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در همهٔ ابعاد و زمینه‌ها می‌پردازد. از تزکیهٔ نفس و مبارزه با نفس خویش که به جهاد اکبر معروف است، تا تنظیم روابط و مناسبات زندگی اجتماعی و مبارزه با طاغیان و هنجارشکنان، همه از جمله موضوعاتی هستند که دین برای آنها دستورالعمل‌های شناختی و رفتاری دارد. دین‌داری، که «داشتن اهتمام دینی، به‌نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر می‌سازد» (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴، ص ۳۶)، می‌تواند موجب هدفمند شدن و سامان‌مند شدن زندگی انسان‌ها با رویکرد ارزشی شود. این مهم برای نسل جوان، که در گام‌های آغازین تمرین و تجربهٔ زندگی اجتماعی و مهارت‌آموزی برای ایفای نقش در آینده است، امری ضروری است. نقش آفرینی دین در زندگی اجتماعی انسان‌ها، در صورتی شدنی است که بر پایهٔ شناخت درونی باشد و متناسب با این شناخت، مناسک و رفتارهای دینی به شکل عملی در زندگی نمودار شوند.

دانشگاه یاسوج به‌عنوان دانشگاهی نوپا که پذیرای دانشجویان بیشتر بومی از استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد، در آیندهٔ این استان نقش بسیار مهمی دارد. براین‌اساس، شناخت مؤلفه‌های گوناگون مرتبط با این دانشجویان می‌تواند سیمای اجتماعی کارگزاران آینده این استان را نشان دهد. دین به‌عنوان یک پدیدهٔ اجتماعی، در اشکال مختلف و در همهٔ زمان‌ها و جوامع وجود و حضور داشته و به‌عنوان یکی از منابع مهم شکل‌گیری و تداوم سرمایهٔ اجتماعی و دارای رابطهٔ دوگانه با آن در نظر گرفته می‌شود. دین با وجود اینکه معمولاً به انسجام اجتماعی می‌انجامد، اما گاه نیز می‌تواند به دلیل شیوهٔ عملکرد دینداران موجب گسست اجتماعی گردد؛ چیزی که ویلیامز و دمولا (۲۰۰۷) نیز بر آن تأکید دارند. به موازات اینکه سرمایهٔ اجتماعی منبع موجود در تعاملات اجتماعی و نظام هدفمند همکاری و همیاری میان اعضای جامعه بوده و موجب ایجاد روابط معقولانه و حس اعتماد و مشارکت بین افراد جامعه می‌شود (مختاری و همکاران، ۱۳۹۲)، دین‌داری نیز از مهم‌ترین عناصر ایجادکنندهٔ همگنی و همبستگی اجتماعی در سطح جوامع است (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۷۳). براین‌اساس، می‌توان گفت: آنچه در بطن دین‌داری قرار دارد، نیروی محرکهٔ ایجاد و تقویت سرمایهٔ اجتماعی بوده؛ و آنچه در سرمایهٔ اجتماعی وجود دارد، نه ایجادکننده، بلکه منسجم‌کنندهٔ رفتارها و مناسک در زمینه دین‌داری است. شکل‌گیری و تداوم صحیح روابط متقابل، پیوندهای اجتماعی، شکل و ترکیب و تناسب سازمانی و نوع ایستارها و باورهای ذهنیتی نسبت به تعاملات اجتماعی در کنار برخی عوامل دیگر، نیازمند ویژگی‌هایی است که در دین و آموزه‌های دینی نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد در ایران نیز وجود عاملی به نام دین، از عوامل مهم ایجاد و تقویت سرمایهٔ اجتماعی افراد است. در مقابل، سرمایهٔ اجتماعی ایجاد شده به وسیله تعاملات مذهبی نیز عاملی مثبت برای تقویت دین‌داری آنها می‌باشد. این دو مقوله که عناصری کلیدی برای توسعه هرچه بیشتر کشور هستند، در کارکردها و ویژگی‌ها، اشتراک‌هایی با یکدیگر دارند، به‌گونه‌ای که به هم‌افزایی همدیگر کمک کنند. همچنین نتایج تحقیق‌های داخلی و

خارجی از جمله گنجی و همکاران (۱۳۸۹)، قاسمی و امیری/سفرجانی (۱۳۹۰)، افشانی و همکاران (۱۳۹۰)، امین‌بیدختی و شریفی (۱۳۹۲)، عباسی‌شوازی و کرمی (۱۳۹۴)، عباس‌زاده و میزائی (۱۳۹۴)، موسوی و همکاران (۱۳۹۷)، استرومسنس (۲۰۰۸)، جئونگ (۲۰۱۰)، لیم و پاتنام (۲۰۱۰)، استورم (۲۰۱۵) نیز حاکی از ارتباط مستقیم و معنادار دین‌داری و سرمایه اجتماعی می‌باشند. از آنجایی که ممکن است میزان دین‌داری ساکنان مناطق مختلف ناشی از تفاوت در میزان سرمایه اجتماعی آنها باشد و دین‌داری به‌عنوان یک ویژگی شناختی و رفتاری نقش مهمی در زندگی اجتماعی جوانان ایفا می‌کند، این پژوهش، درصدد مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی و دین‌داری در بین دانشجویان دانشگاه یاسوج بوده است. این مقاله بر آن است تا به این سوالات پاسخ دهد:

- چه ارتباطی بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج وجود دارد؟
- چه ارتباطی بین بُعد ارتباطی سرمایه اجتماعی با ابعاد دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج وجود دارد؟
- چه ارتباطی بین بُعد شناختی سرمایه اجتماعی با ابعاد دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج وجود دارد؟
- چه ارتباطی بین بُعد ساختاری سرمایه اجتماعی با ابعاد دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج وجود دارد؟
- چه تفاوتی بین میزان دین‌داری دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه یاسوج وجود دارد؟

مبانی نظری

۱. دین‌داری

دین و باورهای معنوی از دیرباز مورد توجه جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان اجتماعی و فرهنگی بوده است. با مروری بر پیشینه آثار نظری در حوزه علم اجتماعی، می‌توان گفت: پیشینه کنکاش و مطالعه در زمینه مذهب و دین، که نقشی پر رنگ و کارکردی در زندگی مردم و شرایط جوامع داشته، به آراء و مطالعات نظریه‌پردازانی مانند کنت، وبر، دورکیم بازمی‌گردد (ر.ک: میتشل، ۲۰۱۱). در دوره‌های بعدی نیز مطالعه دین و مذهب مورد توجه پژوهشگران و نظریه‌پردازان بسیاری بوده است. وبر در مبحث مذهب، به پیامد اجتماعی باورها و رسوم توت‌مپرستان، رقص و سایر فعالیت‌هایی که جنبه عبادی یافته و نسبت به اشیاء مقدس انجام می‌شوند، می‌پردازد (هیوز، ۱۳۶۹، ص ۲۷۹-۲۸۰). دورکیم، به نقش مذهب بر میزان همبستگی میان افراد اشاره داشته و آن را از نیروهایی می‌داند که در فرد، احساس الزام اخلاقی به هواداری از درخواست‌های جامعه، ایجاد می‌کند (کوزر، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷-۱۹۶). بنابراین، به عقیده دورکیم، مذهب و دین، موجب همبستگی جامعه است. یکی از عوامل مؤثر بر دین‌داری انسان‌ها، شرکت در مناسک مذهبی است (همان، ص ۱۸۸-۱۹۴). دورکیم، انسان را دارای دو بُعد فردی و اجتماعی می‌داند که قسمت اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری رشد می‌کند و در طول زندگی، از طریق تعامل با دیگران و مشارکت در فعالیت‌هایی با سوگیری جمعی، تثبیت می‌شود (اشلی و ارینتین، ۱۹۹۵، ص ۱۴). آنچه درباره میزان دین‌داری مطرح است، این مفهوم را دارای کارکردی انسجام‌بخش و هویت‌ساز نشان می‌دهد. مذهب با معنادار کردن زندگی برای پیروان خود، راهی روشن را پیش روی آنها قرار داده که به همکاری، همدلی، انسجام و... آنها منتهی می‌شود. بنابر آراء

اندیشمندان این حوزه، کارکردهایی که میزان دین‌داری می‌تواند داشته باشد، کارکردهایی مثبت و جلوبرنده خواهند بود که به دلیل نیاز هر نهاد و جامعه‌ای به حرکت و پیشرفت رو به جلو، کارکردی در نظر گرفته می‌شوند.

۲. سرمایه اجتماعی

در بحث سرمایه اجتماعی، بورديو بر كشمش طبقه‌ای تأکید دارد. «روابط اجتماعی برای افزایش توانایی یک فرد برای برآوردن علاقه‌مندی‌هایش مورد استفاده قرار می‌گیرد و سرمایه اجتماعی منبعی در منازعه‌های اجتماعی می‌شود» (بورديو، ۱۹۸۵، ص ۲۴۵). کلمن، از اعتماد، اختیار، تعهدات، انتظارات و هنجارها، به‌عنوان عناصر سرمایه اجتماعی یاد می‌کند (ویدا و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۲۰). فوکویاما، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یک منبع با ارزش از ظرفیت‌های سازمانی و یادگیری، با طیف گسترده‌ای از نتایج مثبت، از جمله درآمد بالاتر، رضایت از زندگی و انسجام اجتماعی می‌داند (بار و چری، ۲۰۰۶، ص ۲۰۷). لین، نیز مفهوم سرمایه اجتماعی را به‌مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی که با کنش‌های هدفمند، برای افراد، قابل دسترس است، در نظر می‌گیرد (لین، ۱۹۹۷، ص ۷).

پاتنام، در بحث سرمایه اجتماعی، بر مفهوم اعتماد تأکید می‌کند و همین عامل را موجب توسعه سیاسی از طریق جلب اعتماد میان مردم و دولت‌مردان و نخبگان سیاسی می‌داند (پاتنام، ۱۳۸۰، ص ۲۸۵). از نظر وی، سرمایه اجتماعی یک ویژگی زندگی اجتماعی است که شرکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا بر یکدیگر تأثیر بگذارند و اهداف مشترک را دنبال کنند. طبق نظر پاتنام و کلمن، سرمایه اجتماعی یک نوع از اثرات مثبت گروهی می‌باشد که نتیجه سازمان اجتماعی است (دیندا، ۲۰۰۸). پاتنام با تفکیک شبکه‌های افقی (یا مساوات‌طلب) از شبکه‌های عمودی (انحصارطلب)، نوع دوم را فاقد توانایی برقراری اعتماد و هنجارهای همبازی معرفی در نظر می‌گرفت. او شبکه‌های هنجاری را در قالب مشارکت‌های مدنی، به دلیل ارائه چارچوب فرهنگی برای همکاری، مواد هنجارهای اعتماد و همکاری می‌داند (پاتنام، ۱۳۸۰، ص ۲۸۵). هنجارها از نظر پاتنام، در هر گروه اجتماعی وجود دارند و مهم‌ترین سودمندی آنها، تقویت اعتماد، کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری است. از نظر پاتنام، مهم‌ترین این هنجارها، هنجارهای معامله متقابل هستند. وی این هنجارها را مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می‌داند. این هنجارها، با شبکه‌های انبوهی از مبادلات اجتماعی، مرتبط هستند و هر یک، دیگری را تقویت می‌کند (نوابخش و فدوی، ۱۳۸۷). اعتماد، از دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است که از نظر پاتنام، از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و در یک جامعه کوچک، از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود. وی در بحث اعتماد، با توجه به شعاع اعتماد، به دو نوع شخصی و اجتماعی اشاره می‌کند. نوع دوم را که بعضاً «اعتماد تعمیم‌یافته» نیز نامیده می‌شود، برای جامعه سودمندتر می‌داند (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴).

پاتنام، اعتماد و هنجارها را بُعد ذهنی، و شبکه‌ها را بُعد عینی سرمایه اجتماعی می‌داند. بنا بر آنچه بیان شد، می‌توان سرمایه اجتماعی را از مقولات کارکردی و مهم به حساب آورد. تمامی نظریه‌پردازان حوزه سرمایه اجتماعی، این مفهوم را دارای کارکردهایی مثبت می‌دانند.

به زعم همه آنها، سرمایه اجتماعی بالا، نتایجی مثبت برای افراد و جوامع در پی خواهد داشت. در نظر گرفتن اعتماد، اختیار، تعهدات، انتظارات و هنجارها به‌عنوان عناصر سرمایه اجتماعی توسط کلمن، ارزیابی از آن به‌عنوان یک منبع با ارزش از ظرفیت‌های سازمانی و یادگیری با طیف گسترده‌ای از نتایج مثبت توسط فوکویاما، تأکید بر منابع نهفته در ساختار اجتماعی که با کنش‌های هدفمند قابل دسترس خواهد بود توسط لین، و توجه به یک نوع از اثرات مثبت گروهی توسط پاتنام، وجه کارکردی آن را بیش از پیش آشکار می‌سازد. هر نهاد کوچک و بزرگی از خانواده گرفته تا دولت، برای فائق آمدن بر مشکلات خود و پیشرفت بیشتر نیاز به عناصری ویژه دارد که در سرمایه اجتماعی نهفته است. از آنجایی که سرمایه اجتماعی زمینه‌ساز همکاری، و همکاری زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت است، این مفهوم به‌عنوان مفهومی کارکردی، نقشی تعیین‌کننده در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی دارد و مستلزم مطالعه علمی هرچه بیشتری است.

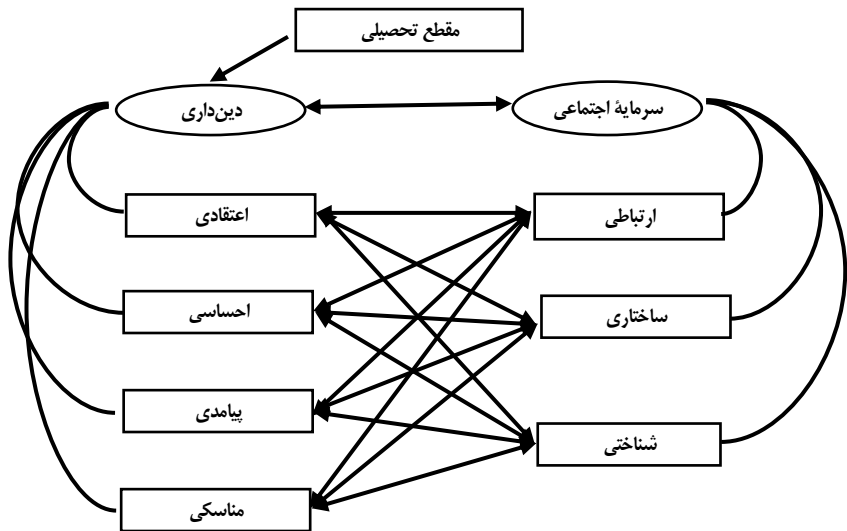
چارچوب نظری

اهمیت بالایی یک مقوله یا یک مفهوم از کارکردهای آن ناشی می‌شود. براین اساس، به نظر می‌رسد برای چارچوب نظری این پژوهش، استفاده از نظریه‌هایی که در زمینه کارکردهای میزان دین‌داری و سرمایه اجتماعی سخن رانده‌اند، مفیدتر باشد. بنابراین، برای چارچوب نظری این پژوهش، از آراء دورکیوم و پاتنام در مورد مباحث مربوطه استفاده شده است. درحالی که دورکیوم، مذهب و دین را از عوامل مهم همبستگی در جامعه می‌داند (کوزر، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷-۱۹۶). پاتنام نیز سرمایه اجتماعی را مولد و اثربخش در نظر می‌گیرد (پاتنام، ۱۹۹۳، ص ۱۱۴). دورکیوم، شرکت در مناسک مذهبی را بر دین‌داری انسان‌ها، مؤثر می‌داند (کوزر، ۱۳۸۰، ص ۱۸۸-۱۹۴). همچنین پاتنام سرمایه اجتماعی را یک ویژگی زندگی اجتماعی می‌داند که شرکت‌کنندگان را قادر می‌سازد بر یکدیگر تأثیر بگذارند و اهداف مشترک را دنبال کنند (پاتنام، ۱۹۹۳، ص ۱۱۴).

دورکیوم، انسان را دارای دو بُعد فردی و اجتماعی می‌داند که بُعد اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری رشد می‌کند و در طول زندگی، از طریق تعامل با دیگران و مشارکت در فعالیت‌هایی با سوگیری جمعی، تثبیت می‌شود. بر اساس آراء دورکیوم، به نظر می‌رسد میزان دین‌داری، مربوط به بُعد اجتماعی باشد؛ بُعدی که پاتنام، سرمایه اجتماعی را مرتبط با آن در نظر می‌گیرد. وی سرمایه اجتماعی را سازمانی اجتماعی در نظر می‌گیرد که مشتمل بر شبکه‌ای از روابط و تعاملات توأم با آگاهی و اعتماد اجتماعی است که موجب تسهیل کنش‌ها می‌شود (سعادت، ۱۳۸۵، ص ۲۰۳). دورکیوم، به نقش مذهب بر میزان همبستگی میان افراد اشاره دارد و آن را از نیروهایی می‌داند که در فرد، احساس الزام اخلاقی به هواداری از درخواست‌های جامعه، ایجاد می‌کند. برگزاری مناسک مذهبی، مردمی که دارای ارزش‌ها و باورهای مشترکی هستند را گرد هم می‌آورد. دور هم جمع شدن، روحیه جمعی آنها را تقویت، و برایشان انسجام و اتحاد به آن مذهب را در پی دارد. این گرد هم آمدن افراد، پیش شرط به وجود آمدن سرمایه اجتماعی مدنظر پاتنام است. «سرمایه اجتماعی برخلاف دیگر اشکال سرمایه، بی‌حضور دیگران، نه پدید می‌آید و نه امکان‌پذیر است» (اجتهادی، ۱۳۸۶).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: کارکردی که دورکیوم برای مذهب قائل است، شبیه همان کارکردی است که پاتنام برای سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد. رابطه تنگاتنگ این دو، آنجا آشکار می‌شود که کارکرد مذهب از نظر

دورکیم (همبستگی و گرد آوردن مردم به دور هم)، پیش شرط اساسی ایجاد سرمایه اجتماعی مدنظر پاتنام است. به موازات آن، از دیدگاه پاتنام نیز، سرمایه اجتماعی در بطن خود، چارچوبی رفتاری دارد که کنشگران را در راه نیل به اهدافشان، کمک می‌کند. این چارچوب، شامل هنجارها، اعتماد، ضمانت‌های اجرایی، و سازمان اجتماعی‌ای هستند که موجب ارتقاء فرصت‌ها، قابلیت و توانمندی‌های افراد شده، و آنان را در رسیدن به اهدافشان (بیشتر از قابلیت‌ها و توانمندی‌های خودشان) کمک می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت: سرمایه اجتماعی نیز رابطه عمیقی با اجتماع و زندگی افراد دارد. رسیدن به اهداف یاد شده، به معنای نائل آمدن به سیاست‌های کلی یک جامعه نیز می‌باشد. سیاست‌های کلی‌ای که با توجه به توضیحات بالا، در گرو میزان سرمایه اجتماعی مردم آن کشور باشد. میزان دین‌داری نیز در چگونگی انسجام و همبستگی آنها برای رسیدن به اهداف، نقش مهمی ایفا می‌کند. براین اساس، می‌توان این فرضیه را با توجه به مباحث یاد شده استخراج کرد که به نظر می‌رسد رابطه معناداری بین میزان دین‌داری (و ابعاد آن) و سرمایه اجتماعی (و ابعاد آن) دانشجویان دانشگاه یاسوج وجود داشته باشد.



مدل ۱. مدل تحلیلی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بُعد ارتباطی سرمایه اجتماعی با ابعاد دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بُعد ساختاری سرمایه اجتماعی با ابعاد دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بُعد شناختی سرمایه اجتماعی با ابعاد دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان دین‌داری دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه یاسوج تفاوت معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه بوده است. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه یاسوج در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بوده که تعداد ۴۱۹۵ نفر بوده است. بر اساس جدول لاین (۱۹۷۶)، و با در نظر گرفتن حجم جامعه، سطح معناداری، میزان همگنی و میزان خطای معناداری، حجم نمونه پژوهش، ۳۸۱ مورد برآورد شده است که برای افزایش دقت، به ۴۰۰ مورد ارتقاء یافت. روش نمونه‌گیری پژوهش، نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. چگونگی نمونه‌گیری و گردآوری داده‌های پژوهش به این صورت بود که پس از تعیین حجم نمونه، نسبت‌های هر دانشکده، مقطع تحصیلی و جنسیت محاسبه شد. در مرحله بعد، به دانشکده‌ها مراجعه و به صورت تصادفی در بین دانشجویان هر دانشکده، پرسش‌نامه توزیع گردید.

برای سنجش متغیر سرمایه اجتماعی، مطابق با چارچوب نظری پژوهش از پرسش‌نامه ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸)، با ضریب آلفای ۰/۷۹ و برای سنجش متغیر دین‌داری نیز از پرسش‌نامه گلاک و استارک (۱۹۶۵) با ضریب آلفای ۰/۹۳ استفاده شده است. برای تعیین اعتبار صوری و محتوایی پرسش‌نامه، از نظر استادان مربوط و جهت تعیین اعتبار سازه‌ای آن؛ از دو آزمون «کی ام او» و ضریب بارتلت استفاده شده است. ضریب «کی ام او»، برای متغیرهای دین‌داری و میزان سرمایه اجتماعی، به ترتیب ۰/۹۵۲ و ۰/۹۵۵ با سطح معناداری ۰/۰۰۰؛ و ضریب بارتلت نیز برای متغیرهای دین‌داری و میزان سرمایه اجتماعی، به ترتیب ۵۶۳۶/۴۶۳ و ۶۶۱۴/۷۰۱ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ بود. برای تعیین پایایی ابزار پژوهش، به منظور شناخت میزان انسجام درونی گویه‌های متغیرها از آلفای کرونباخ استفاده شده است. این ضریب برای متغیر دین‌داری، ۰/۹۳۹؛ و برای متغیر سرمایه اجتماعی، ۰/۹۵۳ بوده است. پس از جمع‌آوری و گردآوری اطلاعات مورد نیاز و استخراج آنها، داده‌ها برای تجزیه و تحلیل، به دو نرم‌افزار SPSS و AMOS انتقال داده شد و تحلیل یافته‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی ارائه گردید.

تعریف عملیاتی مفاهیم

سرمایه اجتماعی: این پرسش‌نامه از سه بُعد ارتباطی (۱۳ سؤال)، ساختاری (۸ سؤال) و شناختی (۷ سؤال) تشکیل شده که در قالب ۲۸ گویه پنج گزینه‌ای سنجیده شده است.

بُعد ارتباطی سرمایه اجتماعی: این بُعد از سرمایه اجتماعی، در قالب ۱۳ گویه ۵ جوابی، ۵ گویه برای سنجش خرده‌مقیاس اعتماد، ۴ گویه برای سنجش خرده‌مقیاس فهم متقابل، و ۴ گویه برای سنجش خرده‌مقیاس تعهد سنجیده شده است.

بُعد ساختاری سرمایه اجتماعی: این بُعد در قالب ۸ گویه ۵ جوابی، ۴ گویه برای خرده‌مقیاس شبکه و ۴ گویه برای خرده‌مقیاس روابط سنجیده شده است.

بُعد شناختی سرمایه اجتماعی: این بُعد سرمایه اجتماعی نیز در قالب ۷ گویه ۵ جوابی، ۴ گویه برای خرده‌مقیاس همکاری و ۳ گویه برای خرده‌مقیاس ارزش‌ها سنجیده شده است.

دین‌داری: برای سنجش متغیر دین‌داری، از پرسش‌نامه گلاک و استارک (۱۹۶۵)، با ضریب آلفای ۰/۹۳ استفاده شده است. این پرسش‌نامه از چهار بُعد اعتقادی (۶ سؤال)، احساسی (۶ سؤال)، پیامدی (۶ سؤال)، و مناسکی (۵ سؤال) تشکیل شده است که گویه‌های آن، در سطح ترتیبی و در قالب ۲۳ گویه ۵ جوابی سنجیده شده است. روش نمره‌گذاری آن، در قالب طیف لیکرت بوده است.

بُعد «اعتقادی» دین‌داری: این بُعد در قالب ۶ گویه در زمینه‌هایی همچون اعتقاد به خدا، قرآن، بهشت و جهنم، نبوت، عدالت و امامت سنجیده شد.

بُعد احساسی دین‌داری: این بُعد از در قالب ۶ گویه در مورد احساس نزدیکی به خدا، احساس معنویت عمیق هنگام حضور در حرم ائمه علیهم‌السلام، ترس از گناه، توبه، خواب‌های دینی و احساس پوچی در صورت نبودن اعتقادات دینی سنجیده شد. بُعد پیامدی دین‌داری: در این بُعد، نگرش پاسخگویان در پیامد مواردی همچون بی‌حجابی، دروغ گفتن، غیبت کردن، مصرف مشروبات الکلی و نگرش آنها در زمینه اجرای قوانین اسلامی در جامعه امروزی، در قالب شش گویه سنجیده شد. بُعد مناسکی دین‌داری: این بُعد نیز در قالب ۵ گویه در زمینه مناسک فردی و جمعی، همچون نماز خواندن، روزه گرفتن، قرآن تلاوت کردن؛ شرکت در نماز جمعه و مراسمات مذهبی مانند دعای کمیل و دعای توسل سنجیده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی تحقیق، نشان داد از میان ۴۰۰ پاسخگوی پژوهش، ۵۳/۲۵ درصد زن و ۴۶/۷۵ درصد مرد بوده‌اند. بیشتر پاسخگویان را مقطع کارشناسی (۷۶/۲۵ درصد)؛ و پس از آن، مقطع کارشناسی ارشد (۱۹ درصد) و مقطع دکتری (۴/۷۵ درصد)، تشکیل داده است. نتایج جدول ۱، میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در بین پاسخگویان را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، درصد بیشتری از پاسخگویان، دارای سرمایه اجتماعی متوسط ارزیابی شده‌اند. درصد پاسخگویان با میزان سرمایه اجتماعی بالا، بیشتر از درصد پاسخگویان با میزان سرمایه اجتماعی پایین است.

جدول ۱. میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در بین پاسخگویان

کل	بالا	متوسط	پایین	سرمایه اجتماعی و ابعاد آن	
				تعداد	درصد
۴۰۰	۵۸	۲۸۲	۶۰	تعداد	سرمایه اجتماعی (کلی)
۱۰۰	۱۴/۵	۷۰/۵	۱۵	درصد	
۴۰۰	۶۳	۲۸۰	۵۷	تعداد	بُعد ارتباطی
۱۰۰	۱۵/۷۵	۷۰	۱۴/۲۵	درصد	
۴۰۰	۶۸	۲۷۵	۵۷	تعداد	بُعد ساختاری
۱۰۰	۱۷	۶۸/۷۵	۱۴/۲۵	درصد	
۴۰۰	۶۲	۲۷۹	۵۹	تعداد	بُعد شناختی
۱۰۰	۱۵/۵	۶۹/۷۵	۱۴/۷۵	درصد	

بر اساس نتایج جدول ۲، میزان دین‌داری درصد بیشتری از پاسخگویان، متوسط ارزیابی شده است. همچنین، درصد پاسخگویان با میزان دین‌داری بالا، بیشتر از درصد پاسخگویان با میزان دین‌داری پایین است. در مورد ابعاد دین‌داری نیز، میزان بُعد «احساسی» در بین پاسخگویان، بالاترین و میزان بُعد «پیامدی» پایین‌ترین سطح را داشته است. بُعد «پیامدی» دین‌داری، نمود تأثیر اعتقادات افراد در رفتارهای آنان است. پائین بودن بُعد «پیامدی» دین‌داری که نگرش آنها در زمینه اجرای قوانین اسلامی در جامعه امروزی است، می‌تواند نشان کم‌کاری نهادها و سازمان‌های فرهنگی باشد.

جدول ۲. توزیع فراوانی دین‌داری و ابعاد آن در بین پاسخگویان

کل	بالا	متوسط	پایین	متغیر دین‌داری و ابعاد آن	
				تعداد	درصد
۴۰۰	۶۰	۲۸۵	۵۵	تعداد	دین‌داری (کلی)
۱۰۰	۱۵	۷۱/۲۵	۱۳/۷۵	درصد	
۴۰۰	۶۹	۳۱۸	۶۳	تعداد	بُعد اعتقادی
۱۰۰	۱۷/۲۵	۶۷	۱۵/۷۵	درصد	
۴۰۰	۶۷	۳۷۹	۵۴	تعداد	بُعد احساسی
۱۰۰	۱۶/۷۵	۶۹/۷۵	۱۳/۵	درصد	
۴۰۰	۶۳	۲۵۶	۸۱	تعداد	بُعد پیامدی
۱۰۰	۱۵/۷۵	۶۴	۲۰/۲۵	درصد	
۴۰۰	۷۳	۳۶۳	۶۴	تعداد	بُعد مناسکی
۱۰۰	۱۸/۲۵	۶۵/۷۵	۱۶	درصد	

یافته‌های استنباطی

نتایج نشان داد که دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی از نظر میزان دین‌داری، تفاوت معناداری با یکدیگر نداشتند (جدول ۳). با این حال، میانگین‌ها نشان می‌دهد دانشجویان مقطع دکتری، کمترین میزان دین‌داری را در بین مقاطع تحصیلی سه‌گانه دارا بودند.

جدول ۳. نتایج آنالیز واریانس یک‌طرفه تفاوت در میزان دین‌داری پاسخگویان، با توجه به مقطع تحصیلی آنها

سطح معناداری	مقدار اف	انحراف معیار	میانگین میزان دین‌داری	تعداد پاسخگو	مقطع تحصیلی
۰/۰۶۹	۲/۶۹	۱۷/۹۱	۸۴/۵۹	۳۰۵	کارشناسی
		۱۸/۰۳	۸۷/۰۲	۷۶	ارشد
		۱۹/۸۶	۷۶/۳۱	۱۹	دکتری
		۱۸/۱۰	۸۴/۶۶	۴۰۰	کل

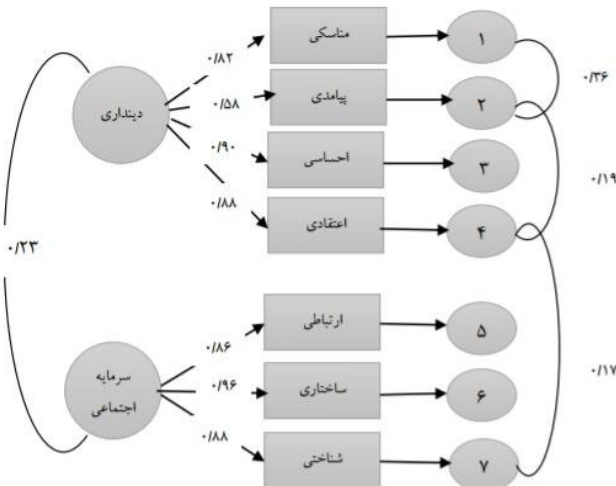
یافته‌های جدول ۴ نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه اجتماعی (کلی) و دین‌داری (کلی) پاسخگویان وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان بیشتر باشد، میزان دین‌داری آنها در سطح کل و هر یک از ابعاد دین‌داری نیز بیشتر است. همچنین، بین ابعاد «اعتقادی»، «احساسی»، «پیامدی» و «مناسکی» دین‌داری با ابعاد «ارتباطی»، «ساختاری» و «شناختی» سرمایه اجتماعی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج، قوی‌ترین رابطه بین بُعد شناختی سرمایه اجتماعی و بُعد اعتقادی دین‌داری و ضعیف‌ترین رابطه بین بُعد ساختاری سرمایه اجتماعی و بُعد پیامدی دین‌داری بود.

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن و دین داری و ابعاد آن

دین داری (کلی) و ابعاد آن					سرمایه اجتماعی (کلی) و ابعاد آن
اعتقادی	احساسی	پيامدی	مناسکی	دین داری (کلی)	
+۰/۰۰۱	+۰/۰۰۰	+۰/۰۰۱	+۰/۰۰۰	+۰/۰۰۰	بُعد ارتباطی
+۰/۱۶۰	+۰/۱۷۴	+۰/۱۶۲	+۰/۲۱۰	+۰/۲۱۳	
+۰/۰۰۱	+۰/۰۰۰	+۰/۰۰۳	+۰/۰۰۰	+۰/۰۰۰	بُعد شناختی
+۰/۲۲۶	+۰/۲۱۶	+۰/۱۸۶	+۰/۱۱۶	+۰/۲۰۵	
+۰/۰۰۰	+۰/۰۰۰	+۰/۰۰۰	+۰/۰۰۰	+۰/۰۰۰	بُعد ساختاری
+۰/۱۶۵	+۰/۱۹۵	+۰/۱۴۶	+۰/۱۹۹	+۰/۳۵۷	
+۰/۰۰۰	+۰/۰۰۰	+۰/۰۰۰	+۰/۰۰۰	+۰/۰۰۰	سرمایه اجتماعی (کلی)
+۰/۱۹۱	+۰/۲۰۴	+۰/۱۷۵	+۰/۲۲۳	+۰/۲۳۸	

تعداد: ۴۰۰ همبستگی: در سطح ۰/۰۱ * (دو دامنه)

برای بررسی همبستگی دوسویه سرمایه اجتماعی به همراه ابعاد سه گانه آن و دین داری، با چهار بُعد آن از همبستگی بر اساس نرم افزار AMOS استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد که بین دو متغیر همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. در واقع دو متغیر، همدیگر را تقویت کرده و تغییر در یکی از آنها، به تغییر در دیگری در همان جهت منجر می شود.



شکل ۱. مدل نظری آزمون شده در مدل سازی معادلات ساختاری، در نرم افزار Amos

برای ارزیابی برازش مدل ساختاری، دو دسته شاخص وجود دارند: نخست، شاخص هایی که مقادیر آنها متأثر از عوامل بیرونی و نامعلوم (مانند حجم نمونه، تعداد گویه ها و غیره) است تا اینکه ناشی از نقص در برازش مدل باشد که عبارتند از: ۱. شاخص نیکویی برازش (GFI)؛ ۲. شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)؛ ۳. کای اسکور نسبی (نسبت مجذور خی دو به درجه آزادی)؛ ۴. شاخص برازش استاندارد (NFI)، دوم، شاخص هایی که کمتر تحت تأثیر عوامل مزاحم و بیرونی قرار دارند. نتیجه به دست آمده بیشتر بیانگر نقص در برازش مدل است که شامل: ۱. توکر لیوالیس (TLI)؛ ۲. شاخص برازش اینکریمنتال (IFI)؛ ۳. شاخص تطبیقی برازش (CFI)؛ ۴. ریشه میانگین مجذور و برآورد خطای تقریب (RMSEA) هستند (قاسمی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸). مقادیر برازش در این پژوهش، در جدول ۵ ارائه شده اند.

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد انطباق نسبتاً قابل قبولی بین مدل نظری ارائه شده در شکل ۱ با داده‌های تجربی گردآوری شده وجود دارد. بر اساس مقدار کای‌اسکوئر نسبی $2/143$ که بیانگر عدم تفاوت بین مدل پیشنهادی و داده‌هاست و مقادیر توکر لیوایس $0/876$ و شاخص نیکویی برازش $0/991$ می‌توان گفت: مدل از برازش نسبتاً قابل قبولی برخوردار است. به علاوه، شاخص‌های مقتصد $0/476$ و $0/474$ نیز بیانگر برازش قابل قبول مدل هستند.

جدول ۵. مهم‌ترین شاخص‌های برازش ارائه شده برای مدل نظری پژوهش

تفسیر	مقدار	شاخص
مقدار قابل قبول	$2/143$	کای‌اسکوئر نسبی (CMIN/DF)
برازش قابل قبول	$0/876$	شاخص برازش غیر نرم (TLI)
برازش قابل قبول	$0/991$	شاخص برازش غیر نرم شده (NFI)
برازش قابل قبول	$0/056$	RMSEA
قابل قبول	$0/993$	GFI
مقدار قابل قبول	$0/921$	CFI
شاخص‌های مقتصد (قابل قبول)	$0/476$	PCFI
شاخص‌های مقتصد (قابل قبول)	$0/474$	PNFI

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سرمایه اجتماعی (کل) و میزان دین‌داری (کل)، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بین همه ابعاد سرمایه اجتماعی و همه ابعاد میزان دین‌داری دانشجویان در سطح اطمینان معناداری حداقل ۹۹ درصد رابطه مستقیم و معناداری وجود داشت. همان‌گونه که دیدگاه‌های سرمایه اجتماعی و دیدگاه‌های مرتبط با دین‌داری استدلال کرده‌اند، میزان دین‌داری و میزان سرمایه اجتماعی از روند هم‌تغییری و تجانس‌ی برخوردارند. هر دو عامل به گونه‌ای افراد جامعه را به همگرایی اجتماعی و توجه به خیر و منافع جمعی همه شهروندان جهت می‌دهند. آموزه‌های دینی، اتحاد اجتماعی در پرتو ارزش‌های دینی و عقیدتی را برای رسیدن به جامعه‌ای مطلوب مورد تأکید و ترویج قرار می‌دهند. سرمایه اجتماعی نیز شامل عناصری چون ارتباط، هنجارمندی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی است که به همگرایی مطلوب و سازنده در جامعه یاری می‌رساند. اما در این پژوهش، بخش زیادی از پاسخگویان، بومی استان کهگیلویه و بویراحمد بوده‌اند. این استان از جمله مناطق در حال گذار است که در دهه‌های اخیر، گرایش به زندگی شهری در آن افزایش پیدا کرده است و تجربه دگرگونی‌های ناشی از زندگی شهری، نوعی تثبیت‌نیافتگی و شناور بودن را در ابعاد اجتماعی و فرهنگی برای آن در پی داشته است. با این وجود، نتایج این پژوهش نشان داد که میزان دین‌داری و میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان، همان‌گونه که نظریه‌های چارچوبی این پژوهش استدلال می‌کنند، بیانگر همبستگی مثبت و هم‌افزایی این دو متغیر مهم و تأثیرگذار می‌باشد.

آزمون تفاوت معناداری نشان داد که بین میزان دین‌داری دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه یاسوج تفاوت معناداری وجود نداشت. با این حال، دانشجویان مقطع دکتری، از میانگین دین‌داری کمتری در متغیر دین‌داری و ابعاد آن برخوردار بوده‌اند. این تفاوت، می‌تواند مرتبط با تجربیات زیسته آنها اعم از تجربیات زندگی، شرایط شناختی و تجربیات علمی و... سطح تحصیلی و یا دغدغه‌های فردی و اجتماعی آنها در زمینه موضوعات معرفت‌شناختی و یا حتی ارزیابی آنها از قرائت‌های گوناگون از دین و دین‌داری باشد. دانشجویان مقاطع بالاتر، به تناسب رویه شک‌گرایی ناشی از بینش علمی، ممکن است بیش از افراد جوان‌تر و با سطوح تحصیلی پایین به شک و تردید در قطعیت برخی آموزه‌های دینی جهت یابند. از سوی دیگر، حتی با وجود اعتقاد درونی به آموزه‌های دینی، ممکن است میزان تنقید و پرداختن به مناسک و رفتارهای دینی برخی از افراد با تحصیلات بالاتر به مراتب کمتر از افراد با تحصیلات پایین و یا بدون تحصیلات علمی باشد.

بحث از دو مقوله دین‌داری و سرمایه اجتماعی، بدون در نظر گرفتن بستر آن، منجر به تحلیلی ناقص خواهد بود. براین اساس، بهتر است بستری که این تحقیق در آن انجام شده است، مورد واکاوی قرار گیرد. جامعه ایران، از دیرباز دارای فضایی دینی بوده و مردم این سرزمین پیشینه‌ای یکتاپرست داشته‌اند. بالطبع، فرهنگ حاکم بر این جامعه، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی متناسب با دین خود را در درون داشته است. مسیر این ارزش‌ها و هنجارهای دینی، به سوی ارتباطات و همکاری‌های سازنده‌ای است که همان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی‌اند. در نتیجه، می‌توان گفت: میزان دین‌داری می‌تواند مبنای شکل‌گیری میزان سرمایه اجتماعی باشد. از سوی دیگر، همین ارتباطات همیارانه نیز در صورت تداوم و نیل به نتایج مثبت، می‌تواند موجب قوام و تقویت دین‌داری باشد. به بیان بهتر، آموزه‌های دینی افراد را به سمت گونه‌هایی از انسجام جهت می‌دهند و جامعه با سرمایه اجتماعی بالا، سرانجام به انسجام‌بخشی اجتماعی شهروندان می‌انجامد. سرمایه اجتماعی، نیازمند مجموعه‌ای از ارزش‌های همگرایانه است که می‌تواند در پرتو آموزه‌های دینی شکل گرفته و ترویج شوند. نتایج تحقیق‌های انجام شده در مناطق مختلف ایران گنجی و همکاران (۱۳۸۹)، قاسمی و امیری اسفرجانی (۱۳۹۰)، افشانی و همکاران (۱۳۹۰)، امین‌بیدختی و شریفی (۱۳۹۲)، عباسی‌شوسازی و کرمی (۱۳۹۴)، عباس‌زاده و میزائی (۱۳۹۴)، موسوی و همکاران (۱۳۹۷) مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار دو مقوله دین‌داری و سرمایه اجتماعی، می‌تواند تأییدی بر این امر باشد. از سوی دیگر، نتایج مشابه اکثر تحقیقات خارجی در این زمینه (استرومنس، ۲۰۰۸؛ جئونگ، ۲۰۱۰؛ لیم و پاتنام، ۲۰۱۰؛ استورم، ۲۰۱۵) می‌تواند مبنایی باشد برای فهم سازوکار دینی‌شدن فزاینده جوامع، در اقصی نقاط جهان. این نتیجه، به‌طور کلی نشان می‌دهد که توسعه در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی نیازمند بهره‌گیری از زمینه‌های تسهیل‌کننده توسعه است. یکی از این زمینه‌ها، حوزه تعاملی در عرصه‌های اجتماعی و باورهای اعتقادی است. به عبارت دیگر، پیشبرد اهداف عام و مطلوب اجتماعی، مستلزم توجه به هر دو دسته متغیرهای کارکردی سرمایه اجتماعی و میزان دین‌داری، به صورت توأمان است.

انجام یک تحقیق در جوامع آماری متفاوت، به نتایج استحکام می‌بخشد، به‌گونه‌ای که سیاستگذاری کلی بر مبنای

آن نتایج اطمینان‌بخش‌تر خواهد بود. این تحقیق، در میان دانشجویان انجام شده است. برای فهم بهتر این رابطه، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران بعدی، آن را در جوامع آماری دیگری از جمله زنان و دانش‌آموزان انجام دهند. بر اساس نتایج این تحقیق، افزایش همکاری، اعتماد و سایر ابعاد سرمایه اجتماعی، موجب بالا رفتن میزان دین‌داری می‌شود. براین اساس، به نهادهایی که عموم مردم مخاطب آنها هستند (مانند سازمان صدا و سیما)، پیشنهاد می‌شود در زمینه تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، با بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های مربوط؛ و با اتکا به نظرات اندیشمندان داخلی این حوزه در جهت حفظ و بالا بردن عناصر سرمایه اجتماعی مردم کوشا باشند، تا از این طریق از کم‌رنگ شدن دین در عصر جهانی شدن که یکی از تبعات آن بحران هویت و زایل شدن دین‌داری است، جلوگیری شود. همچنین پیشنهاد می‌شود، متولیان تبلیغات دینی، همان‌گونه که از آنها انتظار می‌رود، خود در عمل به آموزه‌های دینی تعهد عملی و رفتاری کامل داشته باشند، تا هم موجب تقویت آموزه‌های دینی و هم تقویت سرمایه اجتماعی شود.

منابع

- اجتهادی، مصطفی، ۱۳۸۶، «سرمایه‌ی اجتماعی»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، ش ۳، ص ۴۰۵-۴۱۶.
- افشانی، علیرضا و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه دین‌داری با سرمایه اجتماعی در شهر نجف‌آباد»، *رفاه اجتماعی*، سال دوازدهم، ش ۴۴، ص ۲۵۹-۲۸۴.
- امین‌بیدختی، علی‌اکبر و نوید شریفی، ۱۳۹۲، «دین‌داری و سرمایه اجتماعی حامی امنیت اجتماعی»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۳۳، ص ۴۷-۶۹.
- پاتنام، رابرت، ۱۳۸۰، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات اسلام.
- توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی، ۱۳۸۴، «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، سال یازدهم، ش ۲۶، ص ۱-۳۲.
- سعادت، رحمان، ۱۳۸۵، «تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها»، *رفاه اجتماعی*، سال ششم، ش ۲۳، ص ۱۷۹-۱۹۵.
- شجاعی‌زند، علیرضا، ۱۳۸۴، «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، *جامعه‌شناسی ایران*، سال ششم، ش ۱، ص ۳۴-۶۶.
- عباسی‌شواری، محمدتقی و فرشاد کرمی، ۱۳۹۴، «دین و سرمایه اجتماعی: مطالعه رابطه مشارکت در اجتماعات دینی و سرمایه اجتماعی»، *مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، سال چهارم، ش ۱، ص ۹۷-۱۲۱.
- عباس‌زاده، محمد و مجتبی میزائی، ۱۳۹۴، «مطالعه نقش مداخله‌گرایانه سرمایه اجتماعی و سرمایه روان‌شناختی در تأثیرگذاری فرایند جامعه‌پذیری بر دین‌داری: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تبریز»، *دین و ارتباطات*، سال بیست‌ودوم، ش ۴۷، ص ۸۷-۱۲۲.
- قاسمی، وحید، ۱۳۹۲، *مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی*، تهران، جامعه‌شناسان.
- قاسمی، وحید و زهرا امیری اسفرجانی، ۱۳۹۰، «تیین جامعه‌شناختی تأثیر دین‌داری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست‌ودوم، ش ۲، ص ۲۱-۴۶.
- کلانتری، عبدالحسین و همکاران، ۱۳۸۸، «هویت دینی و جوانان؛ (نمونه‌ی آمار، جوانان شهر شیراز)»، *تحقیقات فرهنگی*، سال دوم، ش ۶، ص ۱۴۱-۱۲۵.
- کوزر، لوئیس، ۱۳۸۰، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی.
- گنجی، محمد و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی در بین مردم شهر کاشان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست‌ویکم، ش ۴، ص ۱۲۴-۱۴۳.
- مختاری، مریم و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه سرمایه اجتماعی با جرم در بین افراد مجرم و غیرمجرم شهر یاسوج»، *رفاه اجتماعی*، سال چهارم، ش ۵۲، ص ۲۰۱-۲۲۶.
- موسوی، سیدنجم‌الدین و همکاران، ۱۳۹۷، «بررسی نقش دین‌داری در اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه لرستان»، *مدیریت سرمایه اجتماعی*، سال پنجم، ش ۴، ص ۶۲۹-۶۴۹.
- نوابخش، مهرداد و جمیله فدوی، ۱۳۸۲، «بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری (مطالعه موردی منطقه پنج شهر تهران)»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال دوم، ش ۱، ص ۲۵-۴۷.
- وحید، فریدون و همکاران، ۱۳۸۳، «رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ش ۲، ص ۵۹-۹۲.
- هیوز، استوارت، ۱۳۶۹، *آگاهی در جامعه*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- Barr, F. M., & Cherry, A. R., 2006, "Social Capital a Potential Tool for Analysis of the Relationship between Aging Individuals and Their Social Environment", *Ageing International*, v. 31, n. 3, p. 203-216.
- Bourdieu, P., 1985, *The Forms of Capital in Handbook of theory and research for the sociology of education*, ed. J.G. Richardson, New York: Greenwood.
- Dinda, S., 2008, "Social capital in the creation of human capital and economic growth: A productive consumption approach", *Journal of Socio-Economics*, v. 37, n. 5, p. 2020-2033.
- Glock, C., & Stark, R., 1965, *Religion and society in Tension*, Chicago: Rand McNally.
- Jeong, H. O., 2010, "How do religions differ in their impact on individuals' social? Capital? The case of South Korea", *Nonprofit and voluntary sector quarterly*, v. 39, n. 1, p. 142-160.
- Lim, C., & Putnam, R. D., 2010, "Religion, social networks, and life Satisfaction", *American Sociological Review*, v. 75, n. 6, p. 914-933.
- Lin, N., 1976, *Foundations of social research*, New York, McGraw-Hill.
- Lin, N., 1997, *Building A Network Theory of Social Capital*, In N. Lin. K. Cook and R.S. Burt (Eds.) New York: Aldine De Gruyere.
- Mitchel, P., 2011, *National identity*, London, Oxford University Press.
- Nahapiet, J., & Ghosal, S., 1998, "Social capital, intellectual capital and the organizational advantage", *The Academy of Management Review*, v. 23, n. 2, p. 242 -266.
- Putnam, R. D., 1993, *Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy*, Princeton, Princeton University Press.
- Storm, I., 2015, Civic Engagement in Britain: The Role of Religion and Inclusive Values, *European Sociological Review*, v. 31, n. 1, p. 14-29.
- Stromsnes, K., 2008, "The importance of church attendance and membership of Religious voluntary organizations for the formation of social capital", *Social Compass*, v. 55, n. 4, p. 478-496.
- Williams J, Ph, & De Mola, F. L., 2007, "Religion and Social Capital among Mexica Immigrants in Southwest Florida", *England, Palgrave Macmillan Journals*, v. 5, p. 233-253.

The Relationship between Social Capital and Religiosity of the Students at Yasouj University

✉ **Abdullah Valinejad** / MA in Sociology, Yasouj University abdollahvalinejad@gmail.com
Asghar Mirfardi / Associate Professor of Sociology and Social Planning, Shiraz University
Received: 2019/01/19 – **Accepted:** 2019/05/22 amirfardi@shirazu.ac.ir

Abstract

In this research, the relationship between social capital and religiosity among the students of Yasouj University has been studied. The survey method was used and the sample size included 400 students selected through multistage cluster random sampling. The data gathering tool was a structured pre-existing questionnaire whose validity was confirmed by experts and whose reliability was also evaluated using Cronbach's alpha coefficient. The results showed that there was a direct and significant relationship between the amount of religiosity and the amount of social capital. The result of this research showed that social capital has a significant synergy with the variable of religion, which has a cohering ability, and each of them strengthens the other.

Keywords: religiosity, social capital, student, Yasouj University.

Investigating the Historical Evidence of the Role of the West in Reducing the Scientific Communications of the Islamic Civilization by Reducing its Texts

Said Amirkave / PhD in Culture and Communications and the Head of Department of Communications, Qom Broadcasting University

✉ **Sho'aib Islami** / MA in Communication, IRIB University of Qom eslami114@yahoo.com

Received: 2018/12/29 – **Accepted:** 2019/06/03

Abstract

In the past centuries and before the emergence of the new communication media, the most important way of preserving and exchanging information and science was writing. This study examines the historical evidence of the role of the West in reducing the scientific communications of Islamic civilization by reducing its texts. Therefore, using the analytical- historical research method and by note taking and library-based and documentary method, the present research investigates the historical evidence of the role of the West in reducing the scientific communications of Islamic civilization by reducing its texts and limiting access to the scientific sources of Muslim scholars. Findings of the research indicate that by plundering and transferring Islamic works, the West restricted access to Islamic civilization sources and texts, and destroyed them, and this led to irreparable damages and reduced the level of scientific communication in the Islamic world.

Keywords: Islamic civilization, scientific communication, West, Islamic civilization's texts.

The New Components of Financial Supervision and Fighting Corruption in the Administrative Organizations in the Alawi Conduct

Mehri Haghighi / PhD in Public Law, Department of Public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
haghighimehri@yahoo.com

✉ **Saeid Reza Abadi** / Associate Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
S.abadi@yahoo.com

Asghar Arabiyan / Assistant Professor at Fiqh and Law Department, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
asghararabiyan@gmail.com

Mohammad Jalali / Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
mdjalali@gmail.com

Received: 2018/12/01 – **Accepted:** 2019/04/15

Abstract

Islam has always been a justice-oriented and justice-promoting religion. It is clear that injustice in the society causes the oppressed in the community to be the main victims of the corruptions in governmental and administrative organizations, and this will shake their fundamental and doctrinal beliefs. The new components of financial supervision in Islam are as follows: a legitimate, open and accountable government, fighting corruption, and justice and development for all. This paper examines the components of new financial supervision in the governmental conduct of Amir al-Mu'minin Ali(pbuh), which has been organized by content analysis and the adaptation of the new components of financial supervision to the government of Imam Ali(pbuh), and seeks to prove their existence in the practical conduct of him.

Keywords: financial supervision, administrative office, Alawi conduct, fighting corruption.

Methodology of Jurists in Confronting the Problem of the Gap between the Iranian Government and Nation during the Safavid, Qajar, and Contemporary Periods

✉ **Hamed Azadi** / MSc in Sociology, University of Baqir al-ulum hamedazadi29@gmail.com

Qasem Ebrahimipour / Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Institute of Educational and Research ebrahimipour14@yahoo.com

Received: 2019/02/06 – **Accepted:** 2019/06/08

Abstract

The Shiite culture governing Iran in different historical periods and regarding the tribalistic tyrannical governments or colonial supports as illegitimate have led to the gap between the government and the nation. In different periods, scientists have had different theoretical and practical experiences with native or extrinsic approaches. The present research deals with the practical and theoretical encounter of Allameh Majlesi, late Naini and Imam Khomeini with the three traditionalist, fundamentalist and governmental approaches in the three different periods of Safavid, Qajar and Pahlavi. This research has been conducted by using the fundamental methodology approach and the historical - analytical method in two axes of epistemic and non-epistemic factors. The findings of the research indicate that all the mentioned three approaches are similar in regarding illegitimate the above-mentioned governments, adopting positive approaches for elimination of an evil by a worse evil. However, relatively different jurisprudential capacities of the three types of reformist, critical, revolutionary fiqhs have had different consequences in epistemic, social and political areas.

Keywords: gap between government and nation, jurisprudential approaches, social jurisprudence, jurisprudence methodology.

The Impact of Society on Fiqh (Jurisprudence) with an Emphasis on Imam Khomeini's Ideas

✉ **Mohammad Baqer Rabbani** / PhD Student of Contemporary Muslim Thought, Jameat al-Mustafa Al-Alamieh, Tehran Branch rabani418@yahoo.com

Hasan Ghaffarifar / Assistant Professor, Department of Sociology, Bagher al-Olum University h.ghafarifar@yahoo.com

Received: 2019/02/09 – **Accepted:** 2019/06/15

Abstract

As a traditional-revealed knowledge, fiqh deals with stipulating the duties of the religiously accountable individuals (Mokallaf) and examines individual and social norms. Of course, in addition to the Quran and Sunnah, intellect and consensus are also used in this knowledge. In addition, Shi'i fiqh is a dynamic fiqh, which is in accordance with social conditions and a function of time and space, and thus has the ability to fulfill the changing needs of individuals and societies. This flexibility does not mean ignoring the constant divine rules or secularization. Rather, since divine rules are subject-oriented, and the transformation or removal of a barrier or the fulfillment of conditions in the course of time either remove phenomena from the status of a jurisprudential ruling, or classify them under a jurisprudential ruling, it becomes harder to understand such changes in social issues, and this can lead to petrification and stagnation. After the Islamic Revolution and the activation of fiqh in social areas, it is necessary to examine the impact of society on fiqh. Imam Khomeini's jurisprudential school is important because by drawing attention to the element of time, place and expediency, that are the cause of change in ijtehad, he highlighted the impact of social conditions on understanding the fiqh rulings and determining their instances.

Keywords: jurisprudence, society, time and place, expediency, social fiqh.

Abstracts

A Review of the Social Implications of the Theory of Innate Nature, with an Emphasis on Social Lawfulness

Sadegh Golestani / Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Institute of Educational and Research sadeq.qolestani47@yahoo.com

Received: 2018/12/21 – **Accepted:** 2019/04/30

Abstract

The social sciences are organized on the basis of some epistemological foundations in which anthropology plays a central role. Hence, as the central implication of anthropology, innate nature assumes more importance in this knowledge. Understanding nature and its reflections in various fields of social science can help us in acquiring social knowledge. This paper reviews the reflection of innate nature in the area of social lawfulness and its requirements as one of the major subjects in social sciences, and answers this question: how can social lawfulness and its requirements be analyzed in social sciences on the basis of nature? This question has been studied using the rational -analytical method, and the relation between the theory of innate nature and its theoretical implications in social sciences is explained based on the fundamental methodology. The results show that on the basis of innate nature, it is possible to demonstrate the contribution of different societies and cultures in social lawfulness. Moreover, the possibility of presenting a unified theoretical model in explaining social phenomena, providing a universal value system and the possibility of value judgments between different cultures can be explained.

Keywords: social law, innate nature, value system, value judgments, contribution of societies.

Table of Contents

A Review of the Social Implications of the Theory of Innate Nature, with an Emphasis on Social Lawfulness / *Sadegh Golestani*..... 5

The Impact of Society on Fiqh (Jurisprudence) with an Emphasis on Imam Khomeini's Ideas / *Mohammad Baqer Rabbani / Hasan Ghaffarifar* 19

Methodology of Jurists in Confronting the Problem of the Gap between the Iranian Government and Nation during the Safavid, Qajar, and Contemporary Periods / *Hamed Azadi / Qasem Ebrahimipour*..... 39

The New Components of Financial Supervision and Fighting Corruption in the Administrative Organizations in the Alawi Conduct / *Mehri Haghighi / Saeid Reza Abadi / Asghar Arabiyan / Mohammad Jalali*.....57

Investigating the Historical Evidence of the Role of the West in Reducing the Scientific Communications of the Islamic Civilization by Reducing its Texts / *Said Amirkave / Sho'aib Islami* 73

The Relationship between Social Capital and Religiosity of the Students at Yasouj University / *Abdullah Valinejad / Asghar Mirfardi* 93

Proprietor: *Imam Khomeini Educational and Research Institute*

Editor in Chief: *Hamid Pārsaniyā*

Editor: *Syyed Hosein Sharaf-Al-din*

Executive manager: *sajad solgi*

Editorial Board:

☐ **Nasrallah Aqajani:** *Assistant Professor, Bagher al-Olum University*

☐ **Hamid Parsāniyā:** *Assistant Professor, Tehran University*

☐ **Mohammad Hosein Pānahī:** *Associate Professor, TabaTabai University*

☐ **GholamReda Jamshidiha:** *Associate Professor, Tehran University*

☐ **Mahmud Rajabi:** *Professor, IKI*

☐ **Syyed Hosein Sharaf al-din:** *Associate Professor, IKI*

☐ **Hosein Kachoian:** *Associate Professor, Tehran University*

☐ **Akbar Mirsepah:** *Assistant Professor, IKI*

☐ **Shams allah Mariji:** *Assistant Professor, Bagher al-Olum University*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd

Amin Blvd, Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +9825-32113480

Fax: +9825-32934483

www.ricest.ac.ir , www.sid.ir

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir